

آموزش کاربرد* حقوق (یا حقوق در خیابان) در مدارس آفریقای جنوبی و حفظ حقوق بشر در روند دادرسی کیفری

دیوید. ج. مک کوئید - میسون**

برگردان: لیلیا عنصری

الف) مقدمه

نظام دادرسی کیفری آفریقای جنوبی شاهد صدها هزار نفری است که هر سال بین دادگاه‌های کیفری و زندان در رفت‌وآمد هستند. در طی سال‌های ۹۰-۱۹۸۹ میلادی، در دادگاه عالی این کشور ۲۰۴۹ پرونده کیفری، در دادگاه‌های منطقه‌ای ۵۴۷۵۲ پرونده، و در دادگاه‌های بخشی ۲/۲^۱ میلیون پرونده کیفری مورد بررسی قرار گرفته است. در طی همین سال‌ها ۱۳۶۶۳۹ متهم این پرونده‌ها به زندان محکوم شده‌اند. برآوردها نشان می‌دهد که سالانه صد هزار نفر بدون این که کسی از نظر قانونی وکالت آنها را به عهده داشته باشد روانه زندان می‌شوند. وزارت دادگستری تخمین می‌زند که حدود ۷۰٪ متهمان این پرونده‌ها در دادگاه‌های منطقه‌ای و ۹۰٪ در دادگاه‌های بخشی، فاقد وکیل قانونی هستند.

به‌طور معمول این امر پذیرفته شده است که بیشتر مردم در آفریقای جنوبی وکیل ندارند. این امر یا به این دلیل است که آنان از حقوق قانونی خود، آگاهی ندارند یا توان پرداخت حق‌الوکاله را ندارند. نادیده گرفتن حقوق و چشم‌پوشی در زمانی که فرد نیازمند مساعدت حقوقی است از مشکلات حقوقی عمده در آفریقای جنوبی به‌شمار می‌رود. در حال حاضر در این کشور، سنتی به‌نام «فرهنگ برخورداری از حقوق»^۲ وجود ندارد که مردم با تمسک به آن بفهمند از چه حقوقی برخوردار هستند و چگونه باید این حقوق را به‌مورد اجرا گذارند.

همان‌طور که در کنوانسیون آفریقای جنوبی دموکرات^۳ نیز درج شده است، به نظر می‌رسد همه بازیگران سیاسی حاضر نیاز به وجود یک لایحه حقوقی جهت تضمین دسترسی به یک محاکمه عادلانه و حفظ افراد در برابر دستگیری‌های خودسرانه دولت را درک کرده‌اند. به محض آن که یک لایحه حقوقی در قانون اساسی جدید گنجانده شود، چالشی بزرگ در راه مقام‌های آموزشی و

ارگان‌های دیگر برای تضمین آگاهی همه شهروندان از حقوق خود در نظام قضاوت کیفری قرار خواهد گرفت. در حال حاضر اگرچه هنوز دادگاه‌ها حق دادن مشاوره، که هزینه آن از سوی دولت پرداخت می‌شود، را به رسمیت نشناخته‌اند، ولی بر قاضی واجب شده است تا متهم بدون وکیل را نسبت به حقوق قانونی خود مبنی بر داشتن وکیل آگاه سازد. برای متهم بومی پرونده که در موارد کیفری نیاز به حمایت قانونی دارد راه‌های فراوانی باز شده است؛ از جمله هیئت مساعدت حقوقی^۴، کلینیک‌های حقوقی^۵، و اخیراً طرح آزمایشی وکیل عمومی^۶ در شهر ژوهانسبورگ.

برآوردها نشان می‌دهد کم‌و بیش نیمی از جمعیت آفریقای جنوبی، یعنی ۳۸ میلیون نفر، را نوجوانان تشکیل می‌دهند. از این‌رو، برنامه‌ای با مخاطبان فراوان آغاز شده تا جوانان، به‌ویژه دانش‌آموزان دبیرستانی، را نسبت به حقوق قانونی خود آگاه سازد. نخستین برنامه آموزش حقوق کاربردی با پشتیبانی انجمن جوامع حقوقی در ۱۹۸۷ آغاز به کار کرد. دومین برنامه «پروژه آموزش حقوق بشر» با همکاری وکلای متخصص مسائل حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۹۱ آغاز شد. این مقاله برآن است که به‌طور گسترده درباره آموزش کاربردی حقوق (یا حقوق در خیابان) و به‌طور خلاصه درباره پروژه آموزش حقوق بشر توضیح دهد.

ب) آموزش کاربردی حقوق^۷ (حقوق در خیابان)

برنامه آموزش کاربردی حقوق برای نخستین بار در سال ۱۹۷۲ میلادی در واشنگتن دی.سی اجرا شد و به دنبال آن کم‌کم دیگر برنامه‌های آموزش مرتبط با حقوق در همه مدرسه‌های ایالات متحده آمریکا ایجاد شدند. در سال ۱۹۸۵ یک سری از کارگاه‌های آموزشی در آفریقای جنوبی از سوی ائی.ال.آبرایان^۸، بنیان‌گذار برنامه آموزش کاربردی حقوق در آمریکا، پروفیسور دی.جی مک کوئید - میسون^۹ رئیس دانشکده حقوق دانشگاه ناتال^{۱۰} در شهر دوربان، و آموزگاران مدارس که مطالب آموزشی اصلاح شده آمریکا را تدریس می‌کردند، برگزار شد. پس از یک دوره مشاوره گسترده، یک برنامه آموزشی مناسب آفریقای جنوبی تدوین شد و نخستین برنامه آموزشی کاملاً نوپا در دانشگاه ناتال با پشتیبانی انجمن جوامع حقوقی در سال ۱۹۸۷ آغاز به کار کرد. از آن زمان تاکنون این برنامه در ده دانشگاه دیگر آفریقای جنوبی نیز اجرا شده است. تا پایان سال ۱۹۹۲ می‌بایست آموزش کاربردی حقوق به یکی از اشکال خود در حدود ۲۰۰۰ مدرسه برای دانش‌آموزان تدریس می‌شد.^{۱۱} تنها در منطقه ناتال و حومه شرقی آن، ۱/۵ میلیون دانش‌آموز مدرسه‌ای، درس

«سواد حقوقی» دوره آموزشی کاربردی حقوق را گذرانده‌اند. هم‌چنین تنها در سال ۱۹۹۲، این برنامه با عنوان درسی «قانون»^{۱۲} در ۸۰۰ مدرسه سفیدپوستان اجرا شده است.

هدف برنامه آموزش کاربردی حقوق آگاه ساختن مردم «کوچه و خیابان» نسبت به حقوق قانونی خود و تشویق آنان برای اندیشیدن در باره نوع نظام قانونی است که خواهان اجرای آن در آفریقای جنوبی جدید هستند. این برنامه در بردارنده شش واحد درسی جداگانه است که همه آنها با متن‌هایی همراه با تصویرهای کارتونی که فهم آنها هم برای دانش‌آموزان و هم مربیان آسان است، تدوین شده است. این واحدها یا مدول‌ها عبارت است از: مقدمه‌ای بر حقوق و نظام قانونی در آفریقای جنوبی، قانون کیفری و نظام دادرسی نوجوانان، قانون خانواده، قوانین و حقوق رفاه و مسکن، قوانین، حقوق استخدامی و حقوق مصرف‌کنندگان. فلسفه تدوین برنامه کاربرد حقوق «آموزش آموزشگران یا مربیان» است. آموزگاران مشاور در مدارس بدون هیچ پیش‌زمینه حقوقی، از سوی هماهنگ‌کنندگان برنامه آموزش کاربردی حقوق، که از دانشگاه‌های گوناگون هستند، می‌آموزند که چگونه خود این برنامه را آموزش دهند. افزون بر آن، دانشجویان آموزش‌دیده حقوق برای کمک به آموزگاران مشاور در ارائه مطالب این برنامه به مدارس فرستاده می‌شوند.

اکنون این برنامه، یعنی آموزش کاربردی حقوق، به‌عنوان یکی از واحدهای درسی اجباری برای گرفتن درجه کارشناسی از دانشگاه‌های ناتال، پرولتاریا^{۱۳} و ویت واترساند^{۱۴} به‌شمار می‌آید و به‌زودی در دیگر دانشگاه‌های حقوق این کشور نیز اجرا خواهد شد. برنامه دادرسی کیفری نیز یکی از رایج‌ترین عنوان‌ها در سری آموزشی کاربرد حقوق می‌باشد.

ج) قانون جزا و نظام دادرسی نوجوانان^{۱۵}

در واحد «قانون جزا» مسائلی از جمله معنا، ماهیت و دلایل جرم، انواع متفاوت جرم، دفاعیات، قدرت نیروی انتظامی و پلیس، ودیعه، بازداشت بدون محاکمه، بازرسی و مصادره اموال، محاکمه کیفری، روند مجازات، و تشکیلات قضایی در خصوص بزهکاری نوجوانان آموزش داده می‌شود. به منظور آماده‌سازی دانش‌آموزان برای فهم عملی چگونگی تأثیرگذاری قانون بر زندگی آنها، فعالیت‌های دانش‌آموز محور از جمله مطالعات موردی، ایفای نقش، شبیه‌سازی دادگاه^{۱۶} یا دادگاه‌های تمرینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تلاش‌ها برای فهم عمیق چگونگی کاربرد قانون در زندگی حقیقی آنان انجام می‌شود. هر مرحله در روند دادرسی جزایی، به‌طور کامل توضیح داده می‌شود و یادگیری به صورت عملی است. این به معنای آن است

که دانش‌آموزانی که هر یک از مراحل را تجربه کرده‌اند تشویق می‌شوند تا این تجربه را با هم‌شاگردی‌های خود در حین ایفای نقش و درگیر کردن همه در حل مسأله در میان بگذارند. هدف، تبیین روشن این نکته است که برنامه آموزش کاربردی حقوق به حفظ حقوق مردم در آیین دادرسی کیفری از این ابعاد می‌پردازد:

۱. اختیارات پلیس برای بازداشت ۲. وثیقه ۳. بازداشت بدون محاکمه ۴. بازرسی و مصادره اموال ۵. محاکمه کیفری ۶. روند مجازات و ۷. تشکیلات قضایی در خصوص بزهکاری نوجوانان.

۱. اختیارات پلیس برای بازداشت^{۱۷}

دانش‌آموزان می‌آموزند که اختیارات پلیس برای توقیف افراد به‌دقت از سوی قانون به‌طور دقیق مشخص شده است؛ در عین حال در برخی از قوانین، از جمله قوانین امنیتی، دست پلیس بسیار باز گذاشته شده است. آنها می‌آموزند که به‌طور معمول فرد می‌تواند به این دلیل بازداشت شود که به جهت یک اتهام کیفری به دادگاه برده شود، یا در یک بازپرسی کیفری مظنون باشد، در غیر این صورت بازداشت به هر دلیل دیگری غیرقانونی است. به عنوان مثال، بازداشت به جرم ترساندن یا زورگویی به فرد دیگر غیرقانونی است. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که به‌طور معمول فرد تنها در صورتی بازداشت می‌شود که دستور توقیف وی به صورت کتبی و رسمی از سوی قاضی یا یک مقام ارشد نیروی انتظامی صادر شده باشد. افزون بر آن، فردی که این‌گونه بازداشت می‌شود حق دارد که بخواهد دستور توقیف را ببیند و این دستور به‌طور حتم باید به او نشان داده شود. پلیس در صورتی می‌تواند فرد را بدون داشتن دستور توقیف بازداشت نماید که خود شاهد ارتکاب جرم از سوی وی باشد، یا بر مبنای سوءظنی^{۱۸} کاملاً مستند احتمال دهد که وی مرتکب جرم شده است. چنین سوءظن مستندی باید بر مبنای برخی واقعیت‌ها و دلایل باشد. به عنوان مثال، اگر پلیس زنی را ببیند که شبیه سارقان بانک است و اسلحه‌ای در دست دارد و در حال فرار از بانک است، می‌تواند بر مبنای این سوءظن مستند که او سارق بانک است وی را متوقف و دستگیر نماید. دانش‌آموزان همچنین آگاه می‌شوند که اگر پلیس فردی را غیرقانونی بازداشت کند، فرد بازداشت شده می‌تواند علیه آنان به دلیل بازداشت غیرقانونی شکایت کند. این امر می‌تواند در صورتی اتفاق بیفتد که پلیس از نشان دادن دستور توقیف، در صورت تقاضای فرد، خودداری نماید یا «سوءظنی مستند» برای بازداشت فرد بدون دستور توقیف وجود نداشته باشد یا هیچ دلیل قانونی برای دستگیری فرد در دست نباشد (به عنوان مثال، گفته شود بازداشت برای ترساندن و تنبیه فرد صورت گرفته است).

یک تجربه جالب برای مربیان آموزش کاربردی حقوق آن است که از دانش‌آموزان در مورد این که آیا تا به حال دستگیر شده‌اند یا خیر سؤال نمایند.^{۱۹} سپس از دانش‌آموزی که تجربه دستگیری داشته است خواسته شود تا دانش‌آموز دیگر را همان‌گونه که خود دستگیر شده بازداشت نماید. وقتی این تمرین با دانش‌آموز سیاه‌پوست انجام می‌شود دانش‌آموزی که نقش پلیس را ایفا می‌کند، بی‌وقفه شروع به ضرب و شتم دانش‌آموزی می‌کند که نقش متهم را بازی می‌کند، ولی زمانی که همین تمرین با دانش‌آموز سفیدپوست انجام می‌شود، دانش‌آموز پلیس مؤدبانه به دانش‌آموز متهم می‌گوید: «می‌بخشید خانم / آقا، مجبورم شما را دستگیر کنم» نویسنده مقاله خیلی کم به مواردی برخورد کرده است که دانش‌آموزان سفید دستگیر شده مورد ضرب و شتم قرار گرفته باشند.

مثال آموزش کاربردی حقوق: دستگیری سارق لباس‌های دست دوم

مردی با لباس‌های ساده، آقای آلبرت را که با جعبه‌ای حاوی لباس‌های دست دوم در خیابان راه می‌رود، متوقف می‌کند. مرد می‌گوید که یک پلیس است و از آقای آلبرت می‌خواهد تا نام و آدرس خود را به او بگوید. او همچنان به آقای آلبرت می‌گوید که برخورد بی‌ادبانه‌ای دارد و او را برای سؤال جواب بیشتر به اداره پلیس می‌برد. آقای آلبرت هنوز هم از پاسخ دادن به هر سوالی خودداری می‌کند.

۱. این حادثه را میان پلیس و آقای آلبرت در خیابان و در اداره پلیس به صورت ایفای نقش اجرا کنید.
۲. آیا از آقای آلبرت مطابق قانون خواسته شده تا به سؤال‌ها پاسخ دهد؟ چرا باید او تصمیم بگیرد به سؤال‌ها پاسخ دهد؟ دلایلتان را برای جواب خود بیان کنید.

۳. اگر شما به جای آقای آلبرت بودید چه می‌کردید؟

۴. آیا مردم باید این حق را داشته باشند تا از پاسخ دادن به سؤال‌های پلیس خودداری کنند؟ چرا بله و چرا خیر؟ اگر مردم حق سکوت در برابر پلیس را دارند آیا باید این حق از سوی پلیس به آنان یادآوری شود؟ چرا بله و چرا خیر؟

هدف از این تمرین آن است که دانش‌آموزان بدانند کسانی که در خیابان از سوی پلیس متوقف می‌شوند، مجبور نیستند تا چیزی بیش از نام و آدرس‌شان به پلیس بگویند. البته ممکن است مجبور به نشان دادن کارت شناسایی خود شوند. آنها مجبور نیستند هیچ‌گونه توضیح دیگری بدهند؛ هرچند که گاهی عاقلانه‌تر است چنین کاری را بکنند. این ایفای نقش به‌گونه‌ای طراحی شده تا به دانش‌آموز پیامی حتی اگر مورد اذیت و آزار پلیس قرار گرفت نباید عصبانی شده یا به پلیس اهانت کند. آنان در

هنگام بیان حقوق قانونی خود باید محکم و جدی و در عین حال مؤدب باشند. پیش از انجام این تمرین، حقوق افراد هنگام دستگیری به دانش آموز پلیس توضیح داده می‌شود. هم‌چنین حقوق افرادی که به دلایل جنایی دستگیر می‌شوند توضیح داده می‌شود. از این رو، دانش‌آموزان می‌فهمند که در چنین مواردی فرد متهم باید هرچه زودتر به اداره پلیس منتقل شود مگر آن‌که در دستور توقیف، مکان دیگری ذکر شده باشد. فرد متهم نمی‌تواند بیش از ۴۸ ساعت در توقیف باشد و باید ظرف این مدت به دادگاه معرفی شود. (در موارد اضطراری و در تعطیلات آخر هفته از متهم جهت آزادی مشروط وثیقه خواسته می‌شود. فرد این حق را دارد تا از پاسخ دادن به هر سؤالی از سوی پلیس خودداری کند و تنها به گفتن نام، آدرس و نشان دادن کارت شناسایی بسنده کند. نیازی نیست تا فرد هیچ حرفی بزند یا سندی را امضا کند و در عین حال از لحظه دستگیری، حق دریافت کمک از سوی وکیل را دارد. افراد بازداشت شده در سلول‌ها یا زندان‌ها حق برخورداری از تغذیه مناسب و در صورت نیاز مراقبت‌های بهداشتی را دارند. هم‌چنین به آنها گفته می‌شود چنانچه در قبال هر یک از حقوق آنان کوتاهی شود، می‌توانند علیه پلیس یا وزیر نظم و قانون^{۲۰} به صورت یک شکایت مدنی، اقامه دعوی کنند. البته این شکایت باید ظرف مدت شش ماه انجام شود و گرنه جزو حقوقی به‌شمار می‌آید که در مرور زمان مستوجب احراز حق می‌شود و نه با عملکرد فوری. هم‌چنین افراد دستگیر شده، راهنمایی نیز می‌شوند. این راهنمایی شامل موارد عملی می‌شود؛ مواردی مانند: اینکه آنها باید تنها نام، آدرس و شماره تلفن خود، هم‌چنین در صورت درخواست، کارت شناسایی خود را نشان دهند؛ آنها باید از پلیس بخواهند تا اجازه دهد با یک وکیل، دوست یا خویشاوند تماس بگیرند؛ هم‌چنین باید بدانند که چه زمانی قرار است در دادگاه حاضر شوند. آنها نباید پرونده خود را با کسی جز وکیل‌شان در میان بگذارند.

۲. وثیقه

در طی اول ژوئیه ۱۹۸۹ میلادی تا ۳۰ ژوئن ۱۹۹۰، ۲۱۵۴۳۳ زندانی منتظر محاکمه در زندان‌های آفریقای جنوبی محبوس بودند.^{۳۵} برنامه آموزش کاربردی حقوق به دانش‌آموزان، حقوق آنها را از جمله در موارد مربوط به وثیقه آموزش می‌دهد. آنها می‌آموزند که وثیقه مبلغ معینی است که برای آزادی فرد از زندان به دولت پرداخت می‌شود. پرداخت این مبلغ تضمینی است برای حضور فرد در دادگاه در طی محاکمه و چنانچه فرد از حضور در دادگاه خودداری کند این مبلغ از سوی دولت ضبط می‌شود. به آنها هم‌چنین گفته می‌شود که در موارد کم‌اهمیت‌تر، پلیس نیز می‌تواند فرد متهم را با دریافت وثیقه و یا حتی تنها با دادن «اخطار»، او را آزاد کند. «اخطار» به فرد به معنای آن است که به او گفته

شود چه زمانی باید در دادگاه حاضر شود که البته این امر بدون دریافت وثیقه انجام می‌شود. به طور معمول «آزادی با اخطار»^{۲۱} برای نوجوانانی کاربرد دارد که زیر ۱۸ سال و تحت مراقبت والدین خود هستند. در موارد کم اهمیت‌تر، چنانچه پلیس از آزادی متهم با وثیقه خودداری کند، او می‌تواند درخواست آزادی با وثیقه را با قاضی در میان بگذارد.

به دانش‌آموزان گفته می‌شود در صورت دستگیری، چنانچه باید در دادگاه محاکمه شوند و پرونده آنها به هر دلیلی به تعویق بیفتد، از قاضی بخواهند تا آنها را با دریافت وثیقه آزاد نماید. به آنان یادآوری می‌شود اگر آنها آزادی با وثیقه را درخواست نکنند، قاضی این امر را به آنها متذکر نخواهد شد. متهمان زیر ۱۸ سال می‌توانند با والدین خود در دادگاه و در برابر قاضی حاضر شوند، و چنانچه والدینشان حضور ندارند، می‌توانند حضور والدین در زمان محاکمه را از دادگاه درخواست کنند. در زمان تصمیم‌گیری برای آزادی متهم با وثیقه، قاضی چند چیز را در نظر می‌گیرد: نوع جرم و چگونگی وقوع آن، خانواده متهم و وابستگان، وضعیت مالی و استخدامی، و سابقه جرم در گذشته (اگر وجود داشته باشد). دانش‌آموزان هم‌چنین مطلع می‌شوند که قاضی می‌تواند دستور آزادی مشروط همراه با وثیقه را برای متهم صادر کند. (به‌عنوان مثال، گزارش به اداره پلیس هفته‌ای یک‌بار، ضبط پاسپورت، عدم ترک منطقه بدون اطلاع پلیس)، سپس به دانش‌آموزان فرصتی داده می‌شود تا به ایفای نقش در دادگاه تمرینی بپردازند. ایفای نقش به آنان امکان می‌دهد تا متوجه شوند در برخی مواقع چقدر برای دادگاه سخت است که فرد متهم را با دریافت وثیقه آزاد کند.

مثال‌های آموزش کاربرد حقوق: آیا باید متهم را با دریافت وثیقه آزاد کرد یا خیر؟

یکی از موارد طرح شده ذیل را انتخاب کنید و دلایل خود را برای تصمیم‌تان بیان کنید:

الف) وثیقه (مقدار وثیقه را معین کنید؛ ب) آزادی با اخطار (پولی درخواست نمی‌شود؛ ج) آزادی مشروط همراه با وثیقه (مقدار وثیقه و شروط را معین کنید؛ د) متهم در طی مدت محاکمه در زندان می‌ماند.

۱) جانی، ۲۲ ساله است. در حال سرقت دوربین، جواهرات و وسایل خانه‌ای دستگیر شده است. او در یک پانسیون، اتافی اجاره کرده است. بی‌کار است و خویشاوندی ندارد. تا کلاس ششم^{۲۳} بیشتر درس نخوانده و تا به حال پنج بار به دلایل گوناگون محکوم شده است. تا پیش از سن ۱۸ سالگی سه بار به دلیل دزدی دستگیر و محکوم و روانه کانون اصلاح و تربیت شده است. پس از آن تاکنون دو بار به دلیل شکستن قفل خانه‌ها و سرقت، دوره‌های کوتاه مدتی را در زندان گذرانده است.

(۲) مونا^{۲۴}، یک تاجر ۴۴ ساله، در فرودگاه لوئیس بوتانا^{۲۵}، پس از بازگشت از هندوستان از راه جزیره موریس بازداشت شده است. از چمدان او هزار قرص مواد مخدر (که در آفریقای جنوبی غیرقانونی است) پیدا شده است. مونا صاحب یک خانه بزرگ در وست ویل^{۲۶} [منطقه‌ای اعیان‌نشین]، متأهل و دارای پنج فرزند است. او دارای کارت بازرگانی و صاحب چند تجارت‌خانه در شهر دوربان است که در آنها دستگاه‌های ویدئو و فیلم می‌فروشد. او هر سال سه بار به خارج از کشور سفر می‌کند. مونا تا به حال دو محکومیت در دادگاه داشته است؛ یک‌بار به دلیل فروش دستگاه‌های ویدئوی قاچاق و بار دوم به دلیل نپرداختن مالیات.

(۳) ووما،^{۲۷} ۱۹ ساله است. او به دلیل چاقو زدن به کاراب، در یک دعوا دستگیر شده است. او با خانواده‌اش زندگی می‌کند. امتحان پذیرش در دانشگاه را به اتمام رسانیده و امیدوار است در دانشگاه قبول شود. ووما بی‌کار است و تاکنون هیچ مشکلی با قانون نداشته است. هدف از این تمرین آگاه ساختن دانش‌آموزان نسبت به فاکتورهایی است که دادگاه در زمان صدور حکم، یعنی قبول یا رد وثیقه، در نظر می‌گیرد. در کتابچه راهنمای مربیان دستورالعمل‌هایی برای حل مسائلی از این دست بیان شده است.

۳. بازداشت بدون محاکمه

سال‌هاست که در کتاب‌های قانون در آفریقای جنوبی مسئله بازداشت بدون محاکمه مطرح شده است. تخمین زده می‌شود که حدود ۲۴۰۰۰ نفر طبق قوانین امنیتی این کشور و بیش از ۵۴۰۰۰ نفر به دلیل اوضاع اضطراری حاضر دستگیر شده‌اند. دانش‌آموزان می‌آموزند اگرچه قوانین امنیتی دست پلیس را به‌طور کامل باز گذاشته تا بتواند بدون محاکمه افراد را دستگیر کند، ولی چنانچه فردی مطابق این قوانین بازداشت شود، نباید مورد شکنجه واقع شود و غذا، خواب و مراقبت‌های بهداشتی از او دریغ شود. آنها می‌فهمند که بازداشت‌شدگان مجبور به پاسخ دادن به سؤال‌ها نیستند ولی خودداری از این کار می‌تواند موجب طولانی شدن بازداشت‌شان شود. چنانچه فرد بازداشت شده مورد شکنجه قرار گیرد، از خوابیدن او جلوگیری شود، غذا به او ندهند یا تحت مراقبت‌های پزشکی قرار نگیرد و این امر به دادگاه ثابت شود، فرد صدمه دیده می‌تواند از مقامات مرتبط با بازداشت شکایت کرده و ادعای جبران خسارت نماید. فرد بازداشت شده می‌تواند در طی دوره بازداشت دسترسی از دادگاه مبنی بر پلیس از انجام چنین اعمال غیرقانونی دریافت کند. به دانش‌آموزان خاطر نشان می‌شود در چنین موارد می‌توان از وکلای خصوصی، مراکز حقوقی،^{۲۸} وکلای حقوق بشر، مرکز مطالعات

حقوقی - کاربردی^{۲۹}، مرکز آموزش حقوقی^{۳۰}، و انجمن ملی وکلای دموکرات^{۳۱} کمک گرفت. اخیراً طبق قانون امنیت داخلی^{۳۲} مدت زمان برخی از بازداشت‌ها تا ده روز کوتاه شده است که همین زمان هم قابل تعدیل است؛ ولی مدت زمان بازداشت به دلیل مقررات شرایط اضطراری بسته به مقررات و ضوابط ویژه است. برنامه آموزش کاربرد حقوق تلاش می‌کند تا دانش‌آموزان آگاه شوند که حتی بازداشت‌شدگان سیاسی نیز حقوقی دارند و در برابر هر رفتار غیرقانونی، دادگاه از آنها پشتیبانی می‌کند. به‌عنوان مثال، اگر بازداشت‌شدگان مورد ضرب و شتم پلیس قرار گیرند، بستگان فرد می‌توانند از دادگاه دستوری مبنی بر منع این عمل نسبت به او دریافت کنند. یا چنانچه فرد بازداشت‌شده بیمار یا مجروح شده یا نیاز به مراقبت‌های پزشکی داشته باشد، بستگان او می‌توانند حکمی جهت تضمین انجام مراقبت‌های لازم از دادگاه دریافت کنند. از نظر قانونی، وظیفه قاضی و پزشکان بهداری [انتظامی] بخش است که حداقل هر دو هفته یک‌بار از وضعیت بهداشتی فرد بازداشت‌شده آگاه شوند.

۴. بازرسی و مصادره اموال

در این واحد، دانش‌آموز می‌آموزد که برخی اوقات دولت نیازمند گردآوری اطلاعات است. در موارد مربوط به پلیس، لازم است تا ادله‌ای علیه مجرم گردآوری شود و از جامعه در برابر جرم حفاظت شود. به دانش‌آموز گفته می‌شود که در آفریقای جنوبی دو روش برای انجام تحقیقات و گردآوری یافته‌ها وجود دارد: یکی با مجوز رسمی و دیگری بدون مجوز.

دانش‌آموز در می‌یابد جست‌وجو و تحقیق با مجوز، به معنای داشتن حکمی که از سوی دادگاه است که از سوی قاضی صادر شده باشد. مبنای صدور این مجوز آن است که «سوءظنی مستند» وجود دارد که جرمی انجام شده و باید به پلیس این اجازه داده شود تا شخص یا محلی را بازرسی کند. اگر قاضی تصمیم به صدور مجوز بازرسی بگیرد، این مجوز باید شخص یا محل مورد بازرسی و چیزهایی که در حین بازرسی باید توقیف شود را به‌طور دقیق معین کند. این بازرسی باید در طی زمان ذکر شده در مجوز صورت بگیرد. یک مجوز بازرسی الزاماً اجازه بازرسی کلی از همه چیز را در محل نمی‌دهد. تنها افراد یا ملک ذکر شده در مجوز می‌توانند مورد بازرسی قرار گیرند و تنها چیزهای ذکر شده در مجوز می‌تواند توقیف شود. به دانش‌آموزان یادآوری می‌شود فرد ذکر شده در مجوز بازرسی یا صاحب ملک مذکور در آن می‌تواند رویت مجوز را درخواست نماید. اگر پلیس فکر کند که امنیت حکومت با جلسه‌ای که قرار است در ملکی برقرار شود به خطر می‌افتد،

یا قرار است افراد در آنجا جرمی مرتکب شوند یا جنایتی در آن ملک برنامه‌ریزی شود، نوع دیگری از مجوز وجود دارد که به پلیس این اجازه را می‌دهد تا هر ملکی را بخواهد جست‌وجو کند.

با وجود آن‌که به‌طور معمول از سوی نیروی انتظامی کسب مجوز بازرسی درخواست می‌شود؛ در قانون مواردی تصریح شده است که بازرسی می‌تواند بدون مجوز صورت گیرد. این موارد عبارت‌اند از:

۱. با تاخیر جهت کسب مجوز، هدف بازرسی از بین برود؛

۲. شخصی طبق قانون دستگیر شده است. در اینجا پلیس می‌تواند شخص و محیط اطراف او را برای پیدا کردن هر ادله‌ای که ممکن است بعداً از بین برود، جست‌وجو کند؛

۳. خود فرد داوطلبانه با بازرسی موافقت کند (به‌طور معمول لازم نیست فرد با بازرسی موافقت کند حتی اگر پلیس اجازه بگیرد)؛

۴. بازرسی از سوی مقامات گمرک در مرزها، فرودگاه‌ها و اسکله‌ها انجام شود. در این صورت آنها می‌توانند هر فرد یا چمدانی را بدون مجوز یا سوءظن مستند بازرسی نمایند؛

۵. جاده از سوی نیروی انتظامی بسته شده است. در اینجا پلیس می‌تواند همه وسایل نقلیه را بازرسی کند.

چنانچه پلیس به‌طور منطقی به کسی که در ملکی به سر می‌برد مظنون شود که شاید این فرد اطلاعاتی مفید در خصوص پرونده‌ای را دارد، می‌تواند بدون مجوز جهت پرس‌وجو از فرد وارد ملک شود و گزارشی تنظیم نماید. البته پلیس در صورتی می‌تواند وارد ملک شود که قانون اجازه این کار را داده باشد یا از شخصی که در ملک زندگی می‌کند اجازه گرفته شود. زمانی که پلیس می‌خواهد وارد ملکی شود باید با صدای بلند خود را معرفی کرده، تقاضای ورود کند مگر آن‌که این کار موجب از بین رفتن هدف جست‌وجو و بازرسی شود. چنانچه پلیس برای ورود به ملک یا در طی بازرسی با مقاومت روبه‌رو شود می‌تواند به‌طور منطقی با زور وارد عمل شود، به شرطی که خود را معرفی کرده و دلایل بازرسی را نیز ذکر کرده باشد.

دانش‌آموزان یاد می‌گیرند چنانچه شخصی به‌طور غیرقانونی بازرسی شده باشد یا در طی بازرسی مورد آزار قرار گرفته یا اموال او به‌طور غیرقانونی مصادره شده باشد می‌تواند از وزیر نظم و قانون و هم‌چنین پلیس خاطی شکایت کند. چنین شکایتی در صورت از بین رفتن یا خسارت دیدن اموال در طی بازرسی و مصادره قانونی نیز کاربرد دارد. هرگونه عملکردی علیه وزیر نظم و قانون یا پلیس خاطی باید تا ظرف مدت شش ماه انجام شود در غیر صورت شکایت در دادگاه مطرح نخواهد شد.

مثال آموزش کاربردی حقوق: بازرسی از سوی پلیس

در اینجا مثال‌هایی از بازرسی‌های پلیس ذکر شده است. هر مثال را بخوانید و سپس تصمیم بگیرید که آیا بازرسی‌ها قانونی بوده است یا خیر. اگر بازرسی قانونی نبوده، فرد چه باید بکند؟ برای پاسخ خود دلایلی ذکر کنید.

۱. پلیسی به خانه السا^{۳۳} می‌آید. او توضیح می‌دهد که شنیده است پسر او هنریک^{۳۴}، ۹ ساله، دزدیده است. پلیس از السا اجازه می‌گیرد تا نگاهی به اطراف اتاق هنریک بیندازد و اضافه می‌کند مجوز بازرسی به همراه ندارد. السا به او اجازه می‌دهد. دوچرخه دزدیده شده در اتاق هنریک پیدا می‌شود.

۲. پلیس براساس اطلاعات یک خبرنگار، مجوز بازرسی محوطه ساختمان براد^{۳۵} را برای یافتن اتومبیل‌های مسروقه دریافت می‌کند. پلیس به خانه او می‌آید و ادعا می‌کند که مجوز بازرسی دارد. زمانی که براد می‌خواهد مجوز را ببیند آنان از نشان دادن آن خودداری می‌کنند، او را به خارج خانه هل می‌دهند و به زور داخل می‌شوند. پلیس بازرسی دقیقی از خانه به عمل می‌آورد. در میان همه جایی که گشته‌اند آنها به جست‌وجو کمد و کتوهای لباس‌های او و داخل یخچالش نیز می‌پردازند.

۳. مجوزی برای توقیف راج^{۳۶} صادر شده است. پلیس او را در خانه‌اش پیدا می‌کند. با اینکه هیچ مجوزی برای بازرسی ندارد، پلیس تمام خانه و پارکینگ را جست‌وجو می‌کند. آنها تعدادی نارنجک دستی در پارکینگ پیدا می‌کنند.

۴. اخیراً جنایت‌هایی در شهرک سیاه‌نشین اطراف خانه موزکایل^{۳۷} به وقوع پیوسته است. پلیس هیچ دلیل موجهی برای بازرسی خانه موزکایل یا شهرک و حتی اینکه او مرتکب جنایت شده است در دست ندارد. آنها به در خانه او آمده و تقاضای جست‌وجوی خانه را می‌نمایند. مجوزی در دست پلیس نیست. موزکایل قبول نمی‌کند. پلیس به زور وارد خانه می‌شود اما چیزی پیدا نمی‌کند.

هدف از این مطالعات موردی آن است که دانش‌آموز بتواند موقعیت‌ها را از هم تمیز دهد، زمانی که پلیس می‌تواند محوطه خانه را با مجوز بازرسی کند، زمانی که بدون مجوز این کار را می‌کند و زمانی که پس از بازرسی هیچ مدرکی پیدا نمی‌کند.

۵. محاکمه کیفری

به دانش‌آموزان گفته می‌شود زمانی که آنها در برابر قاضی قرار می‌گیرند می‌توانند درخواست

وکیل نمایند و با وثیقه آزاد شوند. آنها یاد می‌گیرند تا زمانی که از قاضی این درخواست‌ها را نمایند، وکیلی به آنها داده نمی‌شود و ممکن است در زندان بمانند. روند دادگاه را می‌آموزند؛ جایی که قاضی از آنها سؤال می‌کند آیا گناهکارند یا بی‌گناه و در می‌یابند عواقب هر پاسخ چه می‌تواند باشد. دانش‌آموزان برای آموختن مراحل محاکمه، مرحله به مرحله پیش می‌روند؛ گشودن پرونده از سوی دولت و دفاعیات، ادله محکمه‌پسند، بازپرسی‌ها، رسیدگی مجدد، بستن پرونده پس از مشورت و نظرخواهی. نکات فنی روند دادگاه و همچنین حق متهم برای بی‌گناه دانستن خود به زبان ساده توضیح داده می‌شود. قسمت مهم برنامه آموزش دادرسی کیفری، شبیه‌سازی محاکمه یا دادگاه‌های تمرینی^{۳۸} است؛ یعنی قسمتی که دانش‌آموزان به عنوان شاهد، وکلا و مقامات دادگاه به ایفای نقش می‌پردازند. از این راه دانش‌آموزان، مرحله به مرحله روند محاکمه را طی می‌کنند و متوجه می‌شوند که فرآیند حضور در دادگاه چگونه است. این تمرین به آنان امکان می‌دهد تا نسبت به مراحل حضور در دادگاه آگاهی پیدا کنند و آنان را برای هرگونه حضور احتمالی در آینده به عنوان هر یک از طرفین دعوی و یا شاهد در دادگاه نیز آماده می‌کند. در آفریقای جنوبی، قضات دادگاه عالی و وکلای مدافع ارشد، اداره جلسات دادگاه را به عهده دارند. این مقامات با دقت انتخاب می‌شوند. این دقت عمل به دلیل تضمین عدم قضاوت و دادرسی تبعیض‌آمیز بر مبنای نژاد، قومیت و جنسیت افراد صورت می‌گیرد. همین دقت عمل در شبیه‌سازی دادگاه و انتخاب دانش‌آموزان نیز صورت می‌گیرد تا آنان نیز متوجه این تضمین شوند. پیش از ایفای نقش در دادگاه شبیه‌سازی شده یا تمرینی، به دانش‌آموزان قوانین ساده شده آیین دادرسی پرونده‌های کیفری و ارائه ادله آموزش داده می‌شود. ۲۴ دانش‌آموز می‌توانند برای یک پرونده در دادگاه تمرینی در طول زمان یک ساعت به ایفای نقش بپردازند. دادگاه شبیه‌سازی شده یا تمرینی، این امکان را به دانش‌آموز می‌دهد تا به زبان ساده و ابتدایی سازوکارهای حقوقی را بفهمد، سازوکارهایی که جامعه از راه آنها بسیاری از اختلاف‌های خود را حل می‌کند. این تمرین‌ها، دانش‌آموزان را نسبت به مسائل ماهوی محاکمه حساس می‌کند. دادگاه‌های تمرینی فهم افرادی را که به نوعی درگیر دعوی حقوقی هستند بالا می‌برد. از این راه، همچنین مهارت‌های ضروری و لازم آنان ارتقا می‌یابد؛ مهارت‌هایی از قبیل: روان‌تر صحبت کردن، تحلیل موشکافانه مسائل، تفکر راهبردی، مهارت‌های شنیداری و گفتاری، ارائه شفاهی مطالب، صحبت کردن به گونه‌ای کاملاً مرتبط با موضوع، مهارت‌های آماده‌سازی و سازمان‌دهی مطالب. دادگاه‌های شبیه‌سازی شده یا تمرینی، یادگیری جمعی را بالا می‌برد، بر نگرش

افراد نسبت به مشاغل حقوقی تأثیر می‌گذارد و ترس حضور در دادگاه را کاهش می‌دهد.^{۵۱} هر سال ماه ژوئیه یک مسابقه میان استانی دربارهٔ دادگاه‌های شبیه‌سازی شده یا تمرینی با حضور ۸۰ دانش‌آموز از کیپ تاون، ترنس‌وال، ایالت مستقل اورنج و ناتال در شهر دوربان برگزار می‌شود. مسئله یا مشکلی که باید در مسابقه در دادگاه تمرینی، شبیه‌سازی شود از پیش به دانش‌آموزان استان‌های مختلف اعلام می‌شود و آنها از پیش با کمک هماهنگ‌کنندگان آموزش کاربردی حقوق به تمرین می‌پردازند. در خصوص هر پرونده کیفری که قرار است شبیه‌سازی شود، کار دانش‌آموزان در قالب دو تیم ۱۲ نفری، یکی به عنوان گروه دادستانی و دیگری گروه وکلای مدافع شکل می‌گیرد. در هر دادگاه تمرینی، دانش‌آموزان ابتدا در باره پرونده توضیح‌هایی را ارائه می‌کنند، به جای شاهدان ایفای نقش می‌کنند، ادله ارائه می‌کنند، بازپرسی‌ها انجام می‌شود، بحث‌های پایانی دادگاه را انجام می‌دهند، خود به‌عنوان منشی دادگاه عمل می‌کنند و زمان دادگاه را نگه می‌دارند. این محاکمه‌ها بیشتر به پرونده‌های قتل، تجاوز یا مسائل حقوق بشری می‌پردازد و اداره آنها با دانش‌آموزانی است که نقش قضات دادگاه عالی و هم‌چنین وکلای مدافع ارشد را بازی می‌کنند. این مورد به این دلیل در دادگاه‌های شبیه‌سازی شده یا تمرینی مورد استفاده قرار می‌گیرد که دانش‌آموزان با ایده قضات «زن» یا «سیاه‌پوست» از هم اکنون آشنایی پیدا کنند؛ کسانی که قرار است در آینده آفریقای جنوبی دموکرات و ضد تبعیض نژادی به‌عنوان مقام‌های قضایی منصوب شوند.

کتابچه راهنمای مربیان، مرحله به مرحله به شرح جزئیات آماده‌سازی یک دادگاه شبیه‌سازی شده یا تمرینی هم‌چنین توضیح مراحل مختلف محاکمه، بیان ساده قوانین و ادله محکمه‌پسند و چگونگی برپایی محاکمه می‌پردازد.

۶. روند مجازات

دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که در روند مجازات، به محض اینکه فرد متهم گناهکار شناخته می‌شود، دادگاه با هر دو طرف دعوی شور می‌کند و به متهم (یا وکیل او) این فرصت داده می‌شود تا نسبت به مجازات در نظر گرفته شده نظر خود را بگوید. در تعیین مجازات، دادگاه سابقه جرم قبلی، پیشینه اجتماعی، پزشکی، تحصیلی و استخدامی فرد متهم و هم‌چنین دفاعیات له یا علیه او توسط وکیل مدافع و داستان را منظور می‌کند. براساس نگرش دادگاه، بسته به نوع تنبیه، مجازاتی تعیین خواهد شد که قضات یا قاضی صادرکننده رأی فکر می‌کند به‌دنبال آن مجازات، مصالح جامعه، قربانی و حتی مجرم

تأمین خواهد شد. قاضی می‌تواند چند یا یکی از چند مجازات ذیل را به عنوان رأی نهایی صادر کند: اخطار و آزادی، تعویق مجازات، مجازات تعلیقی، جریمه نقدی، جبران خسارات قربانی، زندان، حبس ادواری، کار اجباری، شلاق و حکم اعدام. مجازات اعدام، موضوعی بحث‌برانگیز میان دانش‌آموزان است، چرا که تاکنون آفریقای جنوبی یکی از بالاترین نرخ حکم اعدام را در دنیا داشته است.

هم‌چنین دانش‌آموزان اهداف متفاوت در مجازات و عوامل موثر در تصمیم‌گیری دادگاه نسبت به در نظر گرفتن مبنای مجازات - یعنی: تنبیه^{۳۹}، بازدارندگی^{۴۰}، بازپروری^{۴۱}، و سلب صلاحیت^{۴۲} - را می‌آموزند.

مثال آموزش کاربردی حقوق: اگر شما بودید چه مجازاتی تعیین می‌کردید؟

در پرونده‌های زیر شما چگونه حکم می‌کردید؟ چه مجازاتی تعیین می‌کردید؟ هدف شما از مجازاتی که در نظر گرفته‌اید، چیست؟

۱. پطروس پخانی،^{۴۳} ۱۸ ساله است. او به دلیل ضرب و شتم با نیت وارد کردن صدمه شدید بدنی مجرم شناخته شده است. او به یک نگهبان مسن که در حال انجام وظیفه بوده، از پشت چاقو زده است و نگهبان برای بقیه عمر فلج شده است. پطروس گفته است او مجرم نیست چون در زمان وقوع حادثه آنجا نبوده است. از آنجا که او به جرم خود اقرار نکرده، دادگاه از انگیزه او بی‌اطلاع است. پس از محکومیت، پطروس هنوز هم اصرار دارد که او در محل وقوع جرم نبوده و از آنچه اتفاق افتاده به‌هیچ وجه پشیمان نیست.

پطروس از خانواده‌ای فروپاشیده است. او پدرش را نمی‌شناسد. مادرش پیش خدمت است و در خانه صاحب‌کارش زندگی می‌کند. پطروس با دایی‌اش زندگی می‌کند. دایی‌اش می‌گوید او دانش‌آموز خوبی است و امتحانات ورودی دانشگاه را با موفقیت پشت سر گذاشته است، ولی اخیراً با یک گروه پسرهای بزرگتر از خودش هم‌نشین شده است. او یک‌بار پیش از این ماجرا هم گرفتار قانون شده است. در ۱۶ سالگی موتورسیکلتی را به سرقت برده و به چهار ضربه ترکه چوب مجازات شده است.

۲. جوپی ون وورن^{۴۴}، ۵۶ ساله، حسابداری است که تجارخانه‌ای برای فروش ماشین‌های دست دوم دارد. در طول ۱۸ ماه او به‌بهبانه خرید و فروش ماشین‌های دست دوم مبلغ ۱۰۰,۰۰۰ راند^{۴۵} از بانک‌های مختلف وام گرفته است که البته دروغ است. چیزی که او به بانک‌ها ارائه داده اسناد تقلبی است و هیچ فروشی در کار نبوده است. او امیدوار بوده که پول بانک‌ها را پس از رونق کارش بپردازد، ولی پس از مدتی ورشکست شده است. چیزی که از کسب و کارش برای بازپرداخت پول بانک باقیمانده ۴۰۰۰ راند است. جوپی به جرم کلاهبرداری مجرم شناخته شده است. او از کاری که کرده پشیمان و همکاری لازم با پلیس را داشته است.

جوپی، ریاست یک انجمن (خیریه‌ای) در خصوص رفاه حال کودکان را به عهده داشته است و به همین دلیل مورد احترام است. او به طور منظم به کلیسا می‌رود. قرار است دادگاه او دو سال پس از بازداشتش برقرار شود. در این زمان، او به‌عنوان کتاب‌دار شغلی پیدا کرده است. درآمد او به قدری است که فقط کفاف خود و همسر ۵۴ ساله‌اش را می‌دهد. همسر جوپی بیمار است و قادر به کار کردن نیست. صاحب‌کار او می‌گوید جوپی کارگر خوبی است و حتی در صورت محکومیت، این شغل را برای او حفظ خواهد کرد.

هدف از این تمرین فهماندن عوامل دخیل در صدور رأی از سوی دادگاه به دانش‌آموزان است، راه‌حل‌های ممکن در کتابچه راهنمای معلمان آمده است.

۷. تشکیلات قضایی در خصوص بزهکاری نوجوانان^{۴۶}

دانش‌آموزان می‌آموزند که «نوجوانان»^{۴۷} افراد زیر ۱۸ سال هستند که به‌طور معمول در موارد کیفری مانند بزرگسالان با آنان رفتار می‌شود. با وجود این، آیین دادرسی ویژه‌ای بر مبنای «آزادی با اخطار» با سرپرستی والدین نوجوان پیش از محاکمه و محاکمه‌ای خاص نیز وجود دارد. این محاکمه بدین منوال است که پرونده در پشت درهای بسته در دادگاه مطرح می‌شود و ورود عموم به دادگاه آزاد نیست. تمهیدات خاصی نیز برای مجازات نوجوانان اندیشیده شده است. در پرونده‌های کیفری، والدین نوجوان نیز باید در دادگاه حضور یابند.

همچنین به دانش‌آموزان گفته می‌شود که گاهی اوقات روال کیفری در مورد نوجوانان متوقف می‌شود. دلیل این امر آن است که دادگاه احساس می‌کند نوجوان خاطی دارای والدین یا سرپرستی نیست یا تحت حضانت افراد نامناسب یا کسانی که قادر به مراقبت از او نیستند، زندگی می‌کند. در چنین مواردی نوجوان به «دادگاه کودکان»^{۴۸} فرستاده می‌شود. اگر دادگاه کودکان تشخیص دهد که والدین افراد نامناسب نیستند و قادر به مراقبت از نوجوان هستند، پرونده کودک^{۴۹} دوباره به دادگاه کیفری ارجاع می‌شود و محاکمه ادامه می‌یابد. اگر به هر دلیلی، نوجوان از دادگاه کیفری به دادگاه کودکان منتقل شود، پرونده در دادگاه کیفری تا زمان تصمیم‌گیری دادگاه کودکان، معطل باقی می‌ماند. اگر دادگاه به این نتیجه برسد که نوجوان والدین یا قیمی ندارد یا از نظر ایمنی و رفاه نوجوان به صلاح است، دادگاه می‌تواند حکم انتقال نوجوان به «کانون اصلاح و تربیت»^{۵۰} را صادر کند و او تحت «قانون مراقبت از کودک»^{۵۱} قرار می‌گیرد.^{۵۸}

دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که والدین یا قیم در صورتی نامناسب تشخیص داده می‌شوند که: دچار بیماری روانی باشند، کودک را مورد ضرب و شتم قرار دهند یا رفتار بدی با کودک داشته باشند، اجازه دهند که کودک برای فحشا مورد سوءاستفاده قرار گیرد یا مرتکب اعمال جنایی شود، رفتاری از خود بروز دهند که به وضعیت فیزیکی، روحی یا اجتماعی کودک به‌طور جدی آسیب رساند، نتوانند کودک را تأمین کنند، در مورد کودک کوتاهی کنند، نتوانند کودک را به‌خوبی کنترل کنند یا مطمئن باشند که به‌طور منظم در کلاس‌های مدرسه شرکت می‌کند، و یا این‌که کودک را به‌حال خود رها کرده باشند.^{۵۹}

مثال آموزش کاربردی حقوق: اگر شما بودید آیا جریان محاکمه را متوقف می‌کردید؟

اگر شما قاضی پرونده‌های زیر بودید، آیا جریان محاکمه را متوقف می‌کردید و پرونده را به دادگاه کودکان ارجاع می‌دادید؟ چرا بله، چرا خیر؟

۱. گوان^{۵۲}، ۱۵ ساله، متهم به ربودن زنی ۸۰ ساله با تهدید چاقو است. والدین گوان هیچ وقت خانه نیستند و از زمانی که او خیلی کوچک بوده اجازه داشته تا هر کاری دوست دارد انجام دهد. او مرتباً از مدرسه غیبت می‌کرده و با دار و دسته پسرهای خیلی بزرگتر از خودش در خیابان پرسه می‌زده است. او زمانی پیرزن را ربوده، که همراه با دار و دسته پسرهای ۱۹ ساله بوده است.

۲. سو^{۵۳}، ۱۷ ساله، شب‌ها را با پرسه زدن در خیابان‌ها سر می‌کند و پول تو جیبی خوبی از فحشا عایدش می‌شود. والدین او اجازه می‌دهند او تا دیروقت در خیابان بماند و از او نمی‌پرسند کجا بوده است. پدر و مادرش هر دو شاغل هستند و صبح‌ها بیرون از منزل کار می‌کنند؛ او خانه می‌ماند و با دوستانش ماری‌جوآنا می‌کشد. سو، زمانی که ۱۴ ساله بوده از مدرسه اخراج شده است. والدین او هیچ علاقه‌ای به ادامه تحصیل او از خود نشان نداده‌اند. او به جرم فحشا از سوی پلیس دستگیر شده است.^{۶۰}

هدف تمرین آن است که به دانش‌آموز اجازه داده شود تا در مقام قاضی صادرکننده رأی درخصوص مسائل مربوط به نوجوانان تصمیم‌گیری کند. آیا در چنین مقامی آنان محاکمه را متوقف و پرونده را به دادگاه کودکان ارجاع می‌دهند؟^{۶۱}

همچنین تمرینی به دانش‌آموزان داده می‌شود که طی آن یاد می‌گیرند که محاکمه عادلانه یک نوجوان چگونه باید باشد. همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد، اگر آنها را در برابر دادگاه حاضر کنند، به دانش‌آموزان توصیه می‌شود که تقاضای آزادی با وثیقه، حضور والدین در دادگاه و وکیل قانونی نمایند. اگر هر یک از این

درخواست‌ها به هر دلیلی نادیده گرفته شود، پرونده آنها باید برای بررسی مجدد به دادگاه عالی ارجاع شود. در کتابچه راهنمای دانش‌آموزان از آنچه که ممکن است در دادگاه عالی رخ دهد، مثالی آورده شده است:^{۵۴}

مثال آموزش کاربردی حقوق: یک پرونده با قضاوتی سخت

موزو لودلو،^{۵۵} ۱۵ ساله، بازداشت و متهم به خشونت جمعی در یکی از مناطق شهرک نشین، می‌باشد. پلیس ادعا می‌کند که موزو در میان جمعیتی بوده است که به ماشین‌ها سنگ پرت می‌کرده‌اند. موزو می‌گوید وی آن زمان آنجا نبوده است. پدر و مادر موزو در زمان دستگیری او سر کار بوده‌اند و نیروهای پلیس آنان را از دستگیری پسرشان آگاه نکرده است. موزو را به محلی به نام «مکان امن»^{۵۶} منتقل کرده‌اند. به دلیل عدم آگاهی والدین موزو آنان در زمان محاکمه حضور نداشته‌اند. هیچ وکیل‌ی نه تنها برای موزو بلکه برای هیچ‌یک از کودکان در زمان محاکمه در دادگاه حاضر نبود. شاهد پلیس چنین اعلام کرد که موزو را در میان جمعیت سنگ به دست دیده است. موزو منکر این ادعا شد. حکم دادگاه چنین بود که احتمالاً موزو در آنجا حضور داشته است. او را برای مدت سه سال به کانون اصلاح و تربیت فرستادند. مدت زندانی بزرگسالانی که به همین جرم مجازات می‌شوند ۱ سال است.

۱. باتوجه به اتفاقی که برای موزو افتاده است، فهرستی از مواردی تهیه کنید که فکر می‌کنید در قانون ناعادلانه یا اشتباه است. چگونه می‌توان مواردی که فکر می‌کنید ناعادلانه است در پرونده تغییر داد؟

۲. بزرگسالان از چه حقوقی برخوردارند که در پرونده موزو از او دریغ شده است؟

۳. فرض کنید موزو گناه کار بوده است، آیا با مجازات در نظر گرفته شده برای او موافق هستید؟ چرا بله، چرا خیر؟ آیا باید با بزرگسالان و نوجوانان به گونه‌ای متفاوت رفتار شود؟ دلایل خود را بیان کنید.

هدف تمرین وادار ساختن دانش‌آموز به فکر در باره آن است که اگر دادگاه روال حفاظتی که قرار است در طی محاکمه نوجوان در اختیار او قرار داده شود را از او دریغ کند، چه می‌توان کرد. افزون بر آن، آنها یاد می‌گیرند رفتار کیفی در دادگاه باید عملکردی و رای حدس و گمان، هر چند منطقی، داشته باشد و نباید بر پایه احتمالات صورت گیرد.

د) پروژه آموزش حقوق بشر

پروژه آموزش حقوق بشر از سوی وکلای متخصص در مسائل حقوق بشر سازماندهی شده است. مبنای پروژه براساس کتابچه راهنمایی با عنوان «حقوق بشر برای همگان»^{۵۷} است. این کتابچه راهنما همانند کتابچه راهنمای «آموزش کاربردی حقوق» (یا حقوق در خیابان) است و به‌همراه

کتابچه آموزش مریبان به چاپ رسیده است. این پروژه هماهنگ با برنامه ملی «آموزش کاربردی حقوق» پیاده می‌شود و هماهنگ‌کنندگان برنامه ملی، آن را که با برنامه آموزشی مثال مرتبط است در مدارس آموزش می‌دهند. یکی از فصل‌های کتاب درباره «امنیت ملی و محاکمه عادلانه پس از توقیف» است و این مسائل را پوشش می‌دهد: ۱. آیا باید حقوق بشر به دلایل امنیت ملی محدود شود؟ ۲. رفتار عادلانه زمانی که فرد توقیف، بازداشت، یا محاکمه می‌شود چگونه است؟ ۳. بررسی فوریت‌های ملی و این که آیا شکنجه توجیه‌پذیر است یا نه؟ ۴. شرایط زندان؛ ۵. مجازات اعدام. در این بخش هدف، ارائه مثالی مختصر درباره هر یک از این موارد است.

۱. آیا امکان تحدید حقوق بشر وجود دارد؟

به دانش‌آموزان گفته می‌شود در بسیاری از معاهدات حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها آمده است که: «در زمان فوریت‌های عمومی که حیات ملت مورد تهدید قرار می‌گیرد، در برخی از ابعاد حقوق بشر باید محدودیت‌هایی قائل شد (مثلاً محدودیت برای آزادی بیان، آزادی عبور و مرور و غیره).

مثال حقوق بشر برای همگان: آیا شما ابعاد خاصی از حقوق بشر را محدود می‌کردید؟

(i) فرض کنید شما یکی از مقام‌های دولتی در کشورتان هستید و شرایط زیر رخ می‌دهد: تصمیم بگیرید که آیا هیچ‌یک از تمهیدات حقوق بشری مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را محدود می‌کردید یا خیر. اگر شما می‌توانستید چه عملکردی اتخاذ می‌کردید؟

(الف) کشاورزان یکی از مناطق کشور از پرداخت مالیات خودداری می‌کنند و به مأموران گردآوری مالیات تیراندازی می‌نمایند؛

(ب) تظاهرات بزرگی علیه خشونت به راه می‌افتد و برخی از شعاردهندگان خواستار سرنگونی دولت می‌شوند؛

(ج) زمین‌لرزه‌ای اتفاق می‌افتد و در پی آن مغازه‌های زیادی مورد سرقت قرار می‌گیرند؛

(د) کشور شما مورد تهاجم کشور دیگری قرار می‌گیرد؛

(هـ) طرفداران ناامید یکی از تیم‌های فوتبال پس از باخت تیم‌شان در یک بازی مهم، سرمایه و اموال مردم را ویران و افراد را تهدید می‌کنند؛

(و) اعضای احزاب متفاوت سیاسی شروع به ویران کردن خانه‌های یکدیگر می‌کنند؛

(ii) در هر یک از موارد فوق، اگر شما تصمیم‌گیرنده اصلی بودید، کدام یک را جزو شرایط

اضطراری یا بحرانی که حیات ملت را تهدید می‌کند، منظور می‌کردید؟ قبل از توافق برای محدود کردن حقوق بشر، چه اطلاعاتی را می‌خواهید در اختیار داشته باشید؟

iii) اگر شما احساس کنید که امنیت کشور به‌طور جدی به‌دلیل احتمال کودتای نظامی در خطر است، آیا هیچ بُعدی از ابعاد حقوق بشر وجود دارد که شما معتقدید تحت هر شرایطی باید محترم شمرده شود؟ چرا؟ دلایل خود را بیان کنید.

هدف از تمرین فوق، کمک به دانش‌آموزان در تلاش برای تشخیص معیارها یا رهنمودهایی است که در زمان تصمیم‌گیری بر سر محدود ساختن حقوق بشر باید مدنظر قرار دهند.

۲. برخورد عادلانه در زمان توقیف، بازداشت و محاکمه

دانش‌آموزان می‌آموزند که بسیاری از اسناد حقوق بشر در جهان، جهت تضمین حقوق افرادی که توقیف، بازداشت یا محاکمه می‌شوند طرز عمل و روالی را برای دولت‌ها فهرست‌بندی می‌کنند.

مثال حقوق بشر برای همگان: آیا زندانیان باید محکوم شوند یا آزاد شوند؟

۱. آیا هر کشور باید قانونی داشته باشد که به موجب آن همه زندانیان حق داشته باشند تا در دادگاه محاکمه شوند تا چنانچه متهم شناخته نشوند آزاد گردند؟ چرا بله، چرا خیر؟
 ۲. آیا به‌نظر شما شرایطی وجود دارد که در آن دولت بتواند تعلیق این حق را توجیه کند؟
 ۳. چنانچه این حق محترم شمرده نشود، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟
- هدف از تمرین بالا، تشویق دانش‌آموزان برای بحث کردن در باره اهمیت رهایی از حبس غیرقانونی است. در برخی از کشورها، مخالفان دولت به‌طور غیرقانونی زندانی یا «ناپدید» شده‌اند. این امر، فعالان ضد دولت را از هرگونه مشارکت آتی در فعالیت سیاسی منع می‌کند.

مثال حقوق بشر برای همگان: پرونده طومارنویسی و محاکمه سام

در یک فضای صلح‌آمیز در کلیسا در جمعی متشکل از ۲۵۰ نفر که از اجاره‌بهای بالا مستأصل هستند، سام^{۵۸} مشغول صحبت است: «اجاره‌بهای که دولت محلی تعیین کرده آنقدر زیاد است که شما مردم بین پرداخت اجاره و تهیه غذا برای خانواده باید یکی را انتخاب کنید. خانه‌ها برای ما بسیار کوچک است و شرایطشان وحشتناک. بیایید اجاره‌ها را پرداخت نکنیم. ما باید طوماری را برای دولت محلی تهیه و امضا کنیم و بگوییم که اجاره‌ها بسیار بالا هستند و شرایط آنها غیرقابل تحمل است.»

مردم به ترتیب صف کشیده‌اند تا طومار را امضا کنند. ناگهان پلیس سر می‌رسد. پلیس (به سام) می‌گوید: «شما به دلیل برهم زدن نظم عمومی توقیف هستید» در طی یک هفته او در برابر قاضی حاضر می‌شود که اخیراً در روزنامه محلی گفته است: «کسانی که اجاره‌خانه‌شان را پرداخت نمی‌کنند، کسانی هستند که می‌خواهند از دولت به طور مجانی سواری بگیرند. آنها برای بقیه ما یک خطر محسوب می‌شوند» دو روز بعد از اعلام خبر در روزنامه، سام به طور مخفیانه به دفتر قاضی می‌برند. قاضی می‌گوید: «دفاعیات خود را بیان کن» سام نمی‌داند خطای او چیست و زبان حقوقی قاضی را هم نمی‌فهمد. او گیج شده است و جوابی به قاضی نمی‌دهد.

قاضی می‌گوید: «اگر هیچ دفاعی ندارید، ما نیازی به تشکیل دادگاه نداریم، می‌توانیم همین‌جا بدون حضور کسی محاکمه را برگزار کنیم» قاضی ادامه می‌دهد: «این وحشتناک است. (خطاب به سام) شما گناه‌کارید، همین‌طور است سام؟» سام بدون این‌که زبان گفت‌وگو را بفهمد، سر تکان می‌دهد.

قاضی می‌گوید: «بله، من این‌طور فکر می‌کنم. شما گناه‌کارید و من شما را به چهار سال زندان محکوم می‌کنم. در مواردی که مجازات کمتر از پنج سال است، هیچ استینافی صورت نمی‌گیرد.»

سؤال: آیا محاکمه سام عادلانه صورت گرفته است؟

۱. محاکمه سام را با ایفای نقش اجرا کنید.

۲. مرحله به مرحله، مرور کنید که چه اتفاقی برای سام افتاد و حق‌هایی را که از او ضایع شده فهرست‌وار بنویسید.

۳. آیا هر فردی که توقیف می‌شود باید از حقوقی که شما فهرست کرده‌اید برخوردار باشد؟ آیا می‌توانید استثنایی را ذکر کنید؟

۴. آیا سام می‌بایست وکیل می‌داشت؟ چنانچه سام خیلی فقیر بود و دولت نیز نمی‌توانست وکیلی در اختیار او قرار دهد، چطور؟

۵. آیا اینکه فرد متهم یک قاتل باشد یا یک دیکتاتور منفور در اصل قضیه فرقی می‌کند؟ آیا افراد هر که باشند باید حقوق‌شان محفوظ باشد؟

۶. چنانچه افراد یک جامعه محلی بخواهند یک دادگاه محلی تشکیل دهند تا به مشکلات این جامعه محلی رسیدگی کند، از چه رویه یا آیین دادرسی در دادگاه باید تبعیت شود؟^{۷۰}

۳. فوریت‌های ملی و شکنجه

دانش‌آموزان می‌آموزند که همه اسناد حقوق بشر نشان‌گر آن است که مردم نباید تحت شکنجه

قرار بگیرند، ولی در باره اینکه شکنجه چیست توافق نظر وجود ندارد. برخی می‌گویند شکنجه منحصر به آزار جسمی است، در حالی که برخی دیگر معتقدند شکنجه عذاب روانی را هم دربرمی‌گیرد.

مثال حقوق بشر برای همگان: پرونده بمب‌گذاری

فردی که مخالف دولت جدید در کشور شماست، اعلام کرده که جایی در محله شما را بمب‌گذاری کرده است. این بمب می‌تواند مردم یا اموال آنها را تهدید کند. برای افشای محل بمب‌گذاری، مقداری پول و آزادی تعداد خاصی از زندانیان درخواست شده است. یکی از بمب‌گذاران دستگیر شده است ولی از افشای محل بمب‌گذاری خودداری می‌کند.

۱. اگر شما بودید چه می‌کردید؟ اگر بمب‌گذار بدون اعمال زور حرفی نمی‌زد، آیا او را تحت فشار می‌گذاشتید؟ اگر بله، چگونه؟ آیا خشونت به کار می‌بردید؟ اگر بله، چقدر؟ اگر خیر، چرا؟
۲. اگر قانونی برای منع شکنجه وجود داشت و پلیس در مورد بمب‌گذاری آن قانون را نقض می‌کرد، چه مجازاتی برای آن پلیس در نظر می‌گرفتید؟ شرح دهید.

مثال حقوق بشر برای همگان: شما چگونه از اعمال شکنجه یا آزار از سوی پلیس جلوگیری می‌کردید؟

۱. چرا شما فکر می‌کنید که مهم است افراد بازداشت شده به‌طور منظم با وکلای یا پزشکان دیدار داشته باشند؟
۲. برای افرادی که ادعا می‌کنند از سوی پلیس شکنجه شده‌اند یا مورد آزار قرار گرفته‌اند، قانونی بنویسید که روشی را برای شکایت و دریافت کمک پیش‌بینی کند.

۴. شرایط زندان

به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود که زندانی شدن، بنا به ماهیت آن، آزادی افراد و حق تصمیم‌گیری را از آنها سلب می‌کند. به‌طور معمول این امر به‌عنوان نقض حقوق بشر تلقی نمی‌شود مگر آن‌که فرد به‌طور خودسرانه توقیف شده، در بازداشت نگاه داشته یا بدون دادگاه عادلانه زندانی شده باشد. دانش‌آموزان همچنین آگاه می‌شوند که همه اسناد حقوق بشر بیان‌گر آن است که افرادی که در زندان هستند نباید مورد شکنجه یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرند. با همه زندانیان باید بر اساس انسانیت و با احترام برخورد شود و زندانیان محکوم یا غیرمحکوم همچنین زندانیان نوجوان و بزرگسال باید به‌طور جداگانه از هم زندانی شوند.^{۷۳}

مثال حقوق بشر برای همگان: آیا حقوق بشر زندانیان نقض شده است؟

۱. مانا به دلیل برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های خشونت‌آمیز علیه دولت در بازداشت است. او در شرایط ذیل به سر می‌برد:

(الف) در شبانه‌روز تنها دو وعده غذا به او داده می‌شود. او غذا را دوست ندارد ولی تغذیه به او سلامتی و قوت لازم را می‌دهد؛

(ب) در هفته یک ساعت حق ملاقات دارد؛

(ج) او با زنی هم‌سلول است که بیشتر مواقع با زندانیان دیگر جنگ و دعوا دارد؛

(د) او فردی مذهبی است و هیچ یک از خدمات مذهبی در زندان به او ارائه نمی‌شود؛

آیا شما فکر می‌کنید هر یک از شرایط فوق ناقض حقوق بشر هستند؟ توضیح دهید.

۲. فرض کنید شما و دو نفر دیگر مردی را بر سر اختلاف‌های سیاسی مورد ضرب و شتم جدی قرار داده‌اید. شما به پنج سال زندان محکوم شده‌اید.

شما و زندانیان دیگر می‌خواهید با مقام‌های زندان برای اعتراض به شرایط زندان ملاقات و گفت‌وگو کنید. این ملاقات را با ایفای نقش اجرا کنید. گروهی نقش زندانیان و گروهی دیگر نقش مقام‌های زندان را بازی کنید. هر طرف باید دلایل خود را برای موضعی که اتخاذ کرده، بیان کند.

شرایط شما در زندان عبارتست از:

(الف) شما در بخشی جداگانه در زندان، دور از زندانیانی که متعلق به حزب سیاسی آن مرد که شما به او حمله کرده‌اید، زندانی شده‌اید؛

(ب) شما مجاز به استفاده یا داشتن هیچ کتاب یا مجله سیاسی نیستید؛

(ج) هفته‌ای یک روز پزشکی از زندانیان دیدار می‌کند. در روزهای دیگر پرستار در دسترس است؛

(د) هیچ کس اجازه ندارد به کسی تلفن کند. زندانیان می‌توانند نامه بنویسند ولی نامه‌ها پیش از

ارسال باز شده و خوانده می‌شود؛

(ه) هیچ سازمان سیاسی اجازه سازمان‌دهی یا ملاقات و گفت‌وگو در زندان را ندارد؛

(و) نقض مقررات می‌تواند به پنج روز زندان انفرادی با تنها آب و نان به عنوان غذا منجر شود. زندانبان فرم مکتوبی را پر می‌کند و طبق فرم اعلام می‌کند که قرار است چنین جریمه‌ای برای زندانی در نظر گرفته شود؛

(ز) زندانیان در زمان حبس نمی‌توانند در انتخابات عمومی شرکت کنند؛

ح) ملاقات یک ساعت در هفته مجاز است ولی تنها کسانی می‌توانند به زندان بیایند که نامشان در فهرست «ملاقات‌کنندگان» مورد تأیید آمده باشد

۵. مجازات مرگ

دانش‌آموز می‌آموزد که بسیاری بر سر این که آیا مجازات مرگ نقض حقوق بشر است یا خیر توافق ندارند. در بسیاری از اسناد حقوق بشر، موضع صریح و مستقیمی در این رابطه اتخاذ نشده است.

مثال حقوق بشر برای همگان: سؤال‌هایی درباره مجازات مرگ

اگر نظره‌های شما سرنوشت افراد زیر و شرایطشان را تغییر می‌داد، چطور تصمیم‌گیری می‌کردید؟

الف) فردی مرتکب بیست فقره قتل به طرز فجیع شده است.

ب) یک فرد ۱۵ ساله دارای معلولیت ذهنی، صاحب فروشگاه‌ای را در یک سرقت کشته است.

ج) یکی از اقلیت‌های مذهبی که تحت شکنجه دولت است، کلیسایی با ۲۰۰ نفر از کسانی که اکثریت مذهبی کشور را تشکیل می‌دادند و در حال عبادت بوده‌اند را منفجر کرده است.

د) یک فعال سیاسی ۱۶ ساله سنگی را پرت کرده و موجب کشته شدن پلیسی شده که به‌طور غیرمنصفانه برادرش را کتک می‌زده است.

ه) یک رهبر فاسد دستور قتل عام افراد بسیاری را داده که از او و دولتش انتقاد می‌کرده‌اند.
و) همسری، مردی را که با زنش رابطه داشته است پس از این که آن دو را با هم دیده، به قتل رسانده و پس از این ماجرا، زن، شوهر و فرزندانش را ترک کرده است.

ز) زنی عضو گروهی از چماق به‌دست‌هاست که این گروه، خبرچین یک دولت ظالم را به طرز وحشیانه سنگسار کرده‌اند. زن خودش در سنگسار شرکت نداشته است ولی گروه را تشویق به انجام این کار کرده است.

ه) نتیجه‌گیری

دولت آینده آفریقای جنوبی با میراث یک نظام پر از ازدحام کیفری و فرهنگ خشونت‌بار ناشی از سال‌ها ظلم و ستم نظام آپارتاید دست به گریبان خواهد بود. قانون اساسی دموکراتیک جدید، دربردارنده یک لایحه حقوقی^{۵۹} است که بر نظام آیین دادرسی کیفری نیز تأثیر خواهد گذاشت. این امر «یک فرهنگ حقوقی» بر مبنای اصول جنسیتی را در آفریقای جنوبی جدید لازم‌الاجرا می‌سازد. آفریقایی که تضمین می‌کند مردمش نسبت به حقوق خود آگاه هستند و می‌دانند آن را چگونه به مورد

اجرا بگذارند. فرهنگ حاضر، که مبتنی بر عدم شکیبایی و احترام به نظام حقوقی است، تنها زمانی از بین می‌رود که آفریقای جنوبی دولتی دموکرات را از راه انتخابات برگزیند. در این دولت جدید لایحه حقوقی، حفظ حقوق همه شهروندان را به‌طور یکسان تضمین می‌کند. در تضمین فهم جوانان نسبت به حفظ حقوق بشر در نظام آیین دادرسی کیفری در یک جامعه دموکراتیک و ضد نژادپرستی، برنامه آموزش کاربرد حقوق و پروژه آموزش حقوق بشر می‌توانند نقشی حیاتی بازی کند.

پی نوشت‌ها

* - "street law". نخستین بار در دهه ۱۹۷۰، یک حقوقدان آمریکایی، برنامه سازمان‌بندی شده آموزش حقوق شهروندی و ابتدایی را به شهروندان آمریکایی که در خیابان رفت‌وآمد می‌کردند آغاز نمود. این برنامه بسیار موفقیت‌آمیز بود از این رو این گونه آموزش را «حقوق در خیابان» نام‌گذاری کردند. وجه تسمیه این نام از دو منبع سرچشمه می‌گرفت: نخست آن‌که آموزش حقوق در خیابان برای رهگذران پیاده انجام می‌شد دوم آن‌که حقوقی را به آنان آموزش می‌دادند که به‌طور روزمره در کوچه، بازار و در رفت‌وآمد در خیابان نیاز داشتند بدانند؛ حقوقی چون حقوق فردی در زمان تصادف، دزدی، فحاشی، و حتی دستگیری از سوی پلیس. [مترجم]

** - D. J. MC QUOID-MASON

۱- اگر انواع دادگاه‌های آفریقای جنوبی را در قالب هرمی شکل قرار دهیم به ترتیب از نوک هرم تا دامنه را این دادگاه‌ها تشکیل می‌دهد: ۱. دادگاه قانون اساسی؛ ۲. دادگاه عالی؛ ۳. دادگاه‌های منطقه‌ای؛ ۴. دادگاه‌های بخشی. [مترجم]

2 - "Rights Culture".

۳ - Convention for a Democratic South Africa (CODSA)

۴ - Legal Aid Board .

۵ - Legal Clinics.

۶ - Pilot Public Defender Officer.

۷ - Street Law.

۸ - E.L.O'Brien.

۹ - Professor D.J. Mc Quoid - Mason.

۱۰ - University of Natal.

۱۱ - ظاهراً این مقاله پیش از سال ۱۹۹۲ تألیف شده است، چون این الزامات در کل بند با فعل زمان آینده در مقاله اصلی نوشته شده است. [مترجم]

۱۲ - "The Law".

۱۳ - Pretoria.

۱۴ - Witwatersand.

۱۵ - Criminal Law and Juvenile Justice.

۱۶ - Mock Trials.

۱۷ - Powers of the Police to Arrest.

۱۸ - Reasonable Suspicion.

۱۹- باید توجه داشت که این متن برای خوانندگان آفریقای جنوبی نوشته شده است. معمولاً دانش‌آموزان سیاهپوست و به ندرت سفیدپوستان در این کشور به دلیل عمده فقر مرتکب بزه‌کاری می‌شوند، و دستگیری نوجوانان و جوانان به دلیل جرم‌های کوچک و بزرگ آن‌قدر که در ایران تابوی فرهنگی است در آن کشور نیست. [مترجم]

۲۰ - Minister of Law and Order. به نظر می‌رسد یکی از وزارتخانه‌های آفریقای جنوبی و مربوط به نیروی انتظامی و عملکرد پلیس است. [مترجم]

۲۱ - Release on Warning.

22 - Jannie.

۲۳- معادل اول راهنمایی نظام جدید در ایران.

۲۴ - Moona.

۲۵ - Louis Botha Airport.

۲۶ - Westville.

۲۷ - Vuma

۲۸ - Legal Resources Centers.

۲۹ - The Center For Applied Legal Studies.

۳۰ - Legal Education Center.

۳۱ - The National Association of Democratic Lawyers.

۳۲ - The Internal Security Act.

۳۳ - Elsa.

۳۴ - Hendrik.

۳۵ - Brad.

۳۶ - Raj.

۳۷ - Muzekile.

۳۸ - Mock Trial.

۳۹ - Retribution.

۴۰ - Deterrence.

۴۱ - Rehabilitation.

۴۲ - Incapacitation.

۴۳ - Petrus Pekhani.

۴۴ - Jopie Van Vuuren.

۴۵- راند، واحد پول آفریقای جنوبی، هر دلار به تقریب معادل ۷ راند است. [مترجم]

۴۶ - Juvenile Justice.

۴۷ - Juveniles.

۴۸ - Children's Court.

۴۹ - ترجمه عین واژه‌ای که در متن اصلی به کار رفته است: "Child". [مترجم]

۵۰ - "Place of Safety".

۵۱ - "Child Care Act".

۵۲ - Gwan.

۵۳ - Sue.

۵۴ - کتابچه کامل راهنمای «آموزش کاربردی قوانین» یا "Stned Law" توسط دانشگاه مفید قم در حال بررسی است. قرار است که در آینده نزدیک با توجه به وضعیت کشور ترجمه و بومی شود. [مترجم]

۵۵ - Muzo Dlodlo.

۵۶ - "The Place of Safety".

۵۷ - "Human Rights For All"

۵۸ - Sam

۵۹ - A Bill of Rights.

منابع:

پروفسور دیوید ج. مک کوئید (نویسنده مقاله)، رئیس دانشکده حقوق دانشگاه ناتال، شهر دوربان در آفریقای جنوبی است. او مشاور آموزش کاربرد حقوق و رئیس [انجمن] وکلای حقوق بشر در منطقه دوربان است.

Republic of South Africa Directorate of Justice Report (1989/90) 77-8.

Republic of South Africa SA Prison Services Report (1989/90) 90.

Legal Aid Board Report (1989/90) 5.

Statistics for the period 1 January 1990-31 December 1990 as provided by the Department of Justice; cf Rita A Jordaan "Die Openbare Verdediger Stelsel is Vorm van Regshulp" (1991) 54THRHR 685-94.

See generally M.K Robertson, Preventive Legal Education (unpublished LLM thesis), University of Natal, Durban (1982).

Cf Article 7 Draft Bill of Rights for a Democratic South Africa in African National Congress' Working Draft for Consultation (1989); Article 8 KwaZulu Natal Indaba Bill of Rights (1985).

S v Rudman; S v mthwana 1992 (1) SA 343 (A) 373.

S v Mabaso 1990 (3) SA 185 (A) 203.

طرح ملی مساعدت حقوقی برای نخستین بار در سال ۱۹۶۹ با توجه به قانون مساعدت حقوقی مصوب سال ۱۹۶۹ به

اجرا درآمد. طبق این قانون، « هیئت مساعدت حقوقی» جهت اشاعه یا ارائه مساعدت حقوقی به مردم بومی

تاسیس شد. رجوع شود به:

D.J. McQuoid -Mason, *An Outline of Legal Aid in South Africa* (1982).

D.J. McQuoid –Mason, *An Outline of Legal Aid*.

این دفتر در اول ژانویه ۱۹۹۲ تحت نظر هیئت مساعدت حقوقی و با حمایت انجمن جوامع حقوقی، شورای عمومی کانون وکلای، انجمن ملی وکلای دموکرات، انجمن وکلای سیاهپوست، وکلای حقوق بشر، مرکز منابع حقوقی و دفتر مساعدت حقوقی آغاز به کار کرد.

(Cf D.J. McQuoid –Mason, “Public Defenders and Alternative Service” (1991) 4 SACJ 267-270; D.J. McQuoid –Mason, “Rudman and the Right to Counsel: Is it Feasible to Implement Khaniyle?” (1992) 8 SA JHR 96 106.

نظرسنجی سالیانه ۹۰-۱۹۸۹ درباره روابط نژادی (۳۸): تخمین زده شده بود که در سال ۱۹۹۰، ۱۸۲۶۶۰۰۰ نفر از کل جمعیت ۳۷۴۴۴۰۰۰ نفر، نوجوانان زیر ۱۹ سال بودند.

مطالب آموزشی مندرج در برنامه آموزش کاربرد حقوق (یا حقوق در خیابان) در آمریکا در این منبع یافت می شود:

E.T McMahon, L.B Arbetman and E.L. O’Brien (eds), *Street Law: A Court in Pracrical Law*, 3ed (1986) and *Teacher’s Manual*, 3ed (1986).

D.J. McQuoid –Mason, “Reducing Violence in South Africa through ‘Street Law Education’ of Citizens”, paper presented at 7th International Symposium of Victomology: An Interdisciplinary Approach to Victomology, Rio de Janeiro 25-30 August 1991 (unpublished) 4.

این دانشگاه‌ها عبارت است از: ویت واترسند، پرولتاریا، وسترن کیپ، رودز، ناتال، ایالت آزاد اورنج، پوتچسروم، بوفوتاتسوانا، فورت هیر و زولولند.

Street Brochure Street law in South Africa (1992), 4.

Ibid.

D.J. McQuoid –Mason, “Street law”, 1987, De Rebus 395.

-----, *Street Law: Book 1: Introduction to Sa Law and the Legal System*, (1987).

-----, *Street Law: Book 2: Criminal Law and Juvenile Justice*, (1987).

-----, *Street Law: Book 3: Consumer Law*, (1990).

-----, *Street Law: Book 4: Family Law*, (1990).

-----, *Street Law: Book 5: Welfare and Housing Law*, (1992).

-----, Book 6 will be published in 1992.

-----, “Reducing Violence in South Africa through Street Law Education of Citizens”, 5.

-----, “Street Law/Allemansreg as an optional LLB course”, (1990) De rebus.

See generally D.J McQuoid-Mason, *Street law: Book 2: Criminal Law and Juvenile Justice: Teacher’s Manual*, (1990).

-----, *ibid*, 4-25.

Cf Internal Security Act 74 of 1982; s 185 Criminal Procedure Act 51 of 1977. See Below, “Detention with out Trial”.

D.J McQuoid-Mason, *Criminal Law and Juvenile Justice*, 46.

ibid, 43-4.

ibid, 53-55.

ibid, 51.

ibid, 57.

Republic of South Africa SA Prison Services Report ,(1989- 1990), 90.

D.J McQuoid-Mason, *Criminal Law and Juvenile Justice*, 53-4.

ibid, 54-5.

ibid, 58-9.

See International Security Act 74 of 1982; Public safety Act 3 of 1953 and Section

- 185 Criminal Procedure Act 51 of 1977.
 "Human Rights Index", (1990), 6 SA JHR 451.
 Cf McQuoid-Mason "The responsibility of Doctors during the State of
 Emergency", 1988 Acta Judica, 65, 68-73.
 D.J McQuoid-Mason, Criminal Law and Juvenile Justice, 58.
 Act 74 of 1982.
 Internal Security and Intimidation Amendment Act 138 of 1991 s13.
 D.J McQuoid-Mason, Criminal Law and Juvenile Justice, 58-62.
 ibid, 62-3.
 ibid, 63.
 ibid, 63.
 ibid, 65-7.
 D.J McQuoid-Mason, Teachers Manual: Criminal Law and Juvenile Justice, 64-5.
 ibid, 14.
 McQuoid-Mason, "Space Colony Project", 1990 De Rebus, 691-2.
 -----, Teachers Manual Criminal Law and Juvenile Justice, 14-25.
 ibid, 75-78.
 ibid, 78.
 ibid, 80.
 ibid, 73-4.
 Act 83 of 1983.
 McQuoid-Mason, Criminal Law and Juvenile Justice, 82-6.
 ibid, 86.
 ibid, 86-7.
 ibid, 89-90.
 این پرونده تقریباً بر اساس پرونده اینر گالت در آمریکا به شماره (1991) ۳۸۷ US 1 نوشته شده است.
 ibid, 87-9.
 D.J McQuoid-Mason, Edward L. O' Brien and Elleanor Green, Human Rights for All:
 Education Towards a Right Culture, (1991).
 ibid.
 See generally Cecille van Riet, Human Rights Education Project: Progress Report
 (Monograph), (1992).
 McQuoid-Mason, O' Brien and Green, Human Rights for All, 43-58.
 ibid, 45-6.
 ibid, 31.
 ibid, 49-51.
 ibid, 52.
 ibid, 53-4.
 ibid, 54.
 ibid, 55-6.
 ibid, 57-8.